خراسان روزنامه صبح ایران
پنج‌شنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۶ . ۳۰ ذی‌الحجه ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۶۴۰

کاهش ۴۰ درصدی واردات محصولات چاپی به کشور

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از کاهش بیش از ۴۰ درصدی واردات محصولات چاپی به کشور در سال ۹۵، نسبت به سال قبل از آن، خبر داد. به گزارش ایرنا، سیدعباس صالحی گفت: در سال ۹۴، حدود ۱۴۴ هزار تن محصولات چاپی وارداتی داشتیم، در حالی که این عدد در سال ۹۵، با کاهش ۶۰ هزار تن به ۸۴ هزار تن رسید.

گزارش

دکتر حداد عادل:

آموختن زبان غیرعربی در حوزه جدی گرفته شود

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت: امروز در کشورهای حاشیه خلیج فارس، زبان عمومی عربی است، اما جهان اسلام منحصر در این کشورها نیست و از زبان انگلیسی، در کنار این زبان، در کشورهای اسلامی و غیر عربی اسلامی و کشورهایی که اقلیت مسلمان دارند، استفاده می شود. به گزارش خبرگزاری حوزه، دکتر غلامعلی حداد عادل در مراسم افتتاحیه کتابخانه تخصصی زبان های خارجی در قم، با اشاره به پیگیری مسئله زبان های خارجی در حوزه، گفت: کاش آموختن زبان غیرعربی در حوزه جدی گرفته می شد، چرا که لازمه حضور در دیگر جوامع انسانی، دانستن زبان است. وی با اشاره به تاریخچه قدرت و اقتدار مسلمانان در دوره های گذشته، گفت: وقتی پایه های تمدن اسلامی قوت گرفت، مسلمانان، زبان های مختلفی را آموختند. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به تعامل بنیاد دایرة المعارف اسلامی با مجموعه مؤسسات و کتابخانه های تخصصی تحت نظارت دفتر حضرت آیت ا... العظمی سیستانی، تأکید کرد: کتابخانه تخصصی زبان های خارجی، در واقع پاسخ به نیاز و اقدامی در خور است که می تواند با این بنیاد، تبادل اطلاعات داشته باشد. حداد عادل با بیان این که مسئله زبان های خارجی در دوران ما، با غفلت روبه رو شده است، گفت: در دوران ما، برای آشنایی با زبان های خارجی، به موقع اقدام نشد تا بدانیم غربی ها درباره اسلام چگونه فکر می کنند و بتوانیم هم اشتباهات و انحرافات آن ها را تصحیح و هم حرف خود را به آن ها منتقل کنیم.

■ **زبان مهم ترین ابزار انتقال فرهنگ است**

همچنین، در این مراسم، حجت الاسلام والمسلمین مهدوی راد با اشاره به منابع موجود در کتابخانه تخصصی قم، گفت: در این کتابخانه از ۳۰ هزار کتاب، با ۳۵۰ منبع دیجیتالی، بهره برداری شده است و در آن، منابع مختلفی به زبان انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی، چینی و آلمانی درباره اسلام وجود دارد. وی با بیان این که دایره دانش و دانشوری از یک سو دامنه حضور حوزه در معارف بشری، از سوی دیگر، روز به روز گسترده می شود، افزود: زبان دروازه ای برای دستیابی به میراث معنوی، فکری و اندیشه ای جوامع و نماینده هویت ملت هاست. این استاد حوزه و دانشگاه، با اشاره به رسالت حوزه علمیه که همان بیداری و فرهنگ سازی، فرهنگ بانی و فرهنگ گستری در گستره زمان است، گفت: یکی از ضرورت های این رسالت، آشنا شدن با لوازم و آگاه شدن از چند و چون فرهنگ هاست که زبان، مهم ترین ابزار انتقال آن محسوب می شود.

روایتی تاریخی درباره حرکت امام حسین(ع) از مکه و ورود به صحرای کربلا

هجرت به سوی شهادت

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

موسم حج فرا می‌رسد. فرزند رسول خدا(ص) مهمان شهر خداست؛ مکه، این میعادگاه ابراهیم(ع) و محل نزول قرآن؛ مهبط وحی. پسر فاطمه(س)، رها شده از دام تزویر «ولید بن عتبه» و «مروان بن حکم»، اینک در پناه حرم امن الهی است. زائران از دور و نزدیک خود را به مکه می‌رسانند؛ خسته از راه و مشتاق بیعتی دوباره با معشوق، بی توجه به آن‌چه در اطراف می‌گذرد. مناسک آغاز می‌شود؛ شور و ولوله‌ای سخت در می‌گیرد و جمعیت حرکت می‌کند تا از مناوعرفات بگذرد و بر دوار مقدس، همان عهدی را با پروردگار ببندد که ابراهیم(ع) بست. اقرار کند که جز خداوند یکتا معبودی نیست و هر آن‌چه جز او می‌پرستند و می‌خوانند، مخلوق اند و ناتوان. بر زبان حاجیان بیت ا... در سال ۶۰ (هـ.ق) نیز، زمزمه لبیک جاری بود؛ اما تنها خداست که از دل انسان‌ها خبر دارد.

در گوشه‌ای از صحرای عرفات، خیمه‌ای قرار دارد که کانون توجه بزرگان قوم است. صحابه و تابعین، گرد آن را گرفته‌اند و به دیدار با صاحب خیمه مباهات می‌کنند؛ حسین بن علی(ع)، فرزند بهترین انسانی که آفریده شد؛ فرزند نیکوترین بشری که حج کرد ... همه دور او را گرفته‌اند؛ گویی در انتظارند که سخنی بشنوند از فضایی معنوی که در آن قرار دارند؛ اما ... پسر فاطمه(س) سخنانی بر زبان مبارکش می‌آورد که همه را مبهوت می‌کند. برای آنان که از آداب بندگی پروردگار، تنها به عبادات فردی بسنده کرده‌اند، سخت است که بفهمند امام حسین(ع) چه می‌گوید. برای کسانی که گمان می‌کنند می‌توانند تحت حکومت ستم‌پیشه‌ای مانند یزید، همان راهی را بروند که در عهد رسول خدا(ص) و امیرمؤمنان(ع) می‌رفتند، درک سخنان سبط پیامبر خدا(ص) دشوار است. راستی که عادت، بیماری مهلکی است! بیدار کردن خفتگانی که بر حسب عادت، خود را به خواب زده‌اند، کاری سخت و سنگین است و امام(ع)، بیش از هر شخص دیگری، این را می‌داند؛ می‌داند که برای بیدار کردن امت جدش، راهی جز نثار جان باقی نمانده است.

■ **اتمام حجت‌هایی که نادیده گرفته شد**

امام حسین(ع)، دو سال پیش از این، زمانی که هنوز معاویه زنده و بر ممالک اسلامی مستولی بود، در صحرای منا و در موسم حج، هنگامی که اصحاب کبار در قید حیات و جمع قابل تأملی از بزرگان قوم حضور داشتند، آنان را از مکر و خدعه وی و نیاز جامعه اسلامی به قیام و اعتراض آن ها، آگاه کرده بود: «[ای اصحاب رسول خدا(ص) و ای بزرگان قوم!] ای آرزومندان درگاه خدا! من می‌ترسم کیفری از کیفرهای او بر شما فرود آید، زیرا شما از کرامت خدا به منزلتی دست یافته‌اید که به وسیله آن، نسبت به دیگران برتری دارید، اما کسی را که به وسیله خدا [به شما] شناسانده می‌شود، گرامی نمی‌دارید؛ با این که خود به خاطر خدا در میان مردم احترام دارید. شما می‌بینید که پیمان‌های خدا شکسته شده و نگران نمی‌شوید، با این که برای یک نقض پیمانِ پدران خود به هراس می‌افتید. می‌بینید که پیمان رسول خدا(ص) خوار و ناچیز شده است؛ ناتوانان و از کار افتادگان در شهرها، به حال خود رها شده‌اند، اما به آن‌ها رحم نمی‌کنید و در خور مسئولیت خود کار نمی‌کنید و به کسانی که در آن راه تلاش می‌کنند، وقعی نمی‌گذارید و خود به چاپلوسی و سازش با ظالمان، آسوده‌اید ... مصیبت شما از همه مردم بزرگ‌تر است؛ زیرا در حفظ منزلت علما، مغلوب شدید؛ کاش [در حفظ آن] تلاش می‌کردید.» اما این سخنان آتشین، بر آن جمع خمود و عادت‌زده، تأثیری نگذاشت. اکنون، پس از مرگ معاویه و آغاز خلافت و سلطنت یزید، دیگر جای تأمل و تردید نبود. وقتی جامعه از کلمات حقی که بر زبان ولی خدا جاری می‌شود، تکان نخورَد، باید راه دیگری برای بیدار کردن مردم یافت.

در این میان، از کوفه پی در پی نامه می‌رسید. کوفیان که سال‌ها زیر بار حکومت جابرانه عُمّال معاویه کمر خم کرده بودند، در پی فریادرسی بودند تا با رهبری او، از زیر یوغ ستم‌ها شوند. آنها گمان می‌کردند که آماده‌گی چنین قیامی را دارند. «شبث بن ربعی»، «حجار بن ابجر» و «عمرو بن حجاج» که بعدها، جملگی در زمره سپاهیان ابن‌زیاد قرار گرفتند و بر مهمانشان شمشیر کشیدند، برای امام(ع) نوشتند: «فَقَدِ اخْضَرَّ الْجَنَّاتُ وَ أَيْنَعَتِ الثِّمَارُ وَ أَعْشَبَتِ الْأَرْضُ وَ أَوْرَقَتِ الْأَشْجَارُ فَإِذَا شِئْتَ فَأَقْبِلْ عَلَى جُنْدٍ لَكَ مُجَنَّدَةٍ وَ السَّلَامُ؛ باغ‌ها سرسبز شده و میوه‌ها رسیده‌است، پس هر گاه که اراده کردی بیا که سربازان آماده برای یاری تو، در انتظارت نشسته‌اند، والسلام.» نامه‌های کوفیان و اصرار آن‌ها بر حرکت امام حسین(ع) به سوی این شهر، باعث شد تا آن حضرت آماده هجرت شود؛ نیک می‌دانست که کوفیان عهدشکن و سست‌پیمانند؛ اما پس از آن همه اصرار و اتمام حجت، مگر راه دیگری هم برای سر دادن فریاد عدالت‌خواهی و آزادگی وجود داشت؟ بزرگانی مانند «عبدا... بن عباس»، وقتی از تصمیم امام(ع) آگاه شدند، نزد آن حضرت رفتند و اصرار کردند که به این سفر نرود یا دست کم، اهل بیت خود را نبرد؛ امام(ع) با تبسمی بر لب فرمود: «كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ وَ إِنَّما تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ» (آل‌عمران-۱۸۵)، آن‌گاه ادامه داد: «پسر عمو! ما از آنِ خداییم و به سوی او باز می‌گردیم؛ خدا و پیامبرش راست گفته‌اند.» در برخی منابع تاریخی آمده است که چون سیدالشهدا(ع) این جملات را بیان فرمود، «ابن‌عباس» به سختی گریست.

■ **حرکت به سوی کوفه**

به این ترتیب، امام حسین(ع) مناسک حج را نیمه تمام گذاشت و پیش از آن که خبر شهادت سفیرش، «مسلم بن عقیل»، به او برسد، پای در مسیر شهادت گذاشت. «سید بن طاووس» در کتاب ارزشمند «لهوف» نقل کرده است که وقتی امام(ع) قصد خروج از مکه کرد، شب پیش از حرکت، به حاضرانی که مشتاق شنیدن کلامش بودند، فرمود: «مرگ بر گردن فرزند آدم آویخته است؛ همچون گردن‌بند زیبایی که دختران جوان بر گردن می‌آویزند. [بدانید] که اشتیاق من به دیدار با اجدادم، مانند اشتیاق یعقوب به دیدار یوسف است.

برایم شهادتگاهی فراهم شده است که باید به سوی آن بروم. انگار می‌بینم که گرگ‌های بیابانِ بین نواویس و کربلا، بندبند بدن مرا از هم جدا می‌کنند ... روش ما خاندان رسالت، تلاش برای جلب رضایت خداست. در بلاها استقامت و شکیبایی می‌ورزیم و پاداش صابران به ما خواهد رسید؛ یقین بدانید که پاره تن رسول خدا(ص)، هرگز از او جدا نخواهد شد ... پس هر کس بخواهد جان خود را در راه ما فدا کند و در پی دیدار و وصل پروردگار است، همراه من بیاید که به امید خدا، صبحگاهان حرکت خواهم کرد.» آن شب، «محمد بن حنفیه»، برادر امام(ع) نیز، با او گفت‌وگو کرد و از آن حضرت خواست که از سفر به کوفه منصرف شود؛ به اصرار از امام(ع) خواست که دست کم فرزندان و اهل بیت خود را در مکه بگذارد. سیدالشهدا(ع) برادر را آرام کرد و سپس فرمود: «دیشب، [در عالم رؤیا] با جدّم، رسول خدا(ص)، دیدار کردم؛ به من فرمود: حسین! از مکه خارج شو که خداوند می‌خواهد تو را کشته ببیند.»

■ **منزل به منزل تا نینوا**

کاروان به راه افتاد. به دلیل همراهی اطفال و بانوان، سرعت حرکت زیاد نبود. هنگامی که به منزل «ذات عِرق» رسیدند، «بُشر بن غالب اسدی» که از عراق می‌آمد، به خدمت امام(ع) رسید؛ حضرت از او درباره وضعیت کوفه و کوفیان پرسید. «بُشر» مکثی کرد و سپس گفت: «ای پسر رسول خدا! قلوب کوفیان با توست؛ اما شمشیرهایشان در خدمت امویان است!» در منزل «ثعلبیه»، سیدالشهدا(ع) اندکی استراحت کرد. فرزند برومندش علی‌اکبر(ع) کنار بستر پدر نشسته بود. ناگاه امام(ع) سر از بالین برداشت و فرمود: «در خواب دیدم که هاتفی می‌گوید: شما در حرکت هستید و مرگ از پشت سر شما را به سوی بهشت می‌راند.» علی‌اکبر(ع) گفت: «پدرجان! مگر ما بر حق نیستیم؟» امام(ع) فرمود: «آری فرزندم؛ به خدا قسم که چنین است.» فرزند برومند سیدالشهدا(ع) گفت: «پس ما را چه باک از مرگ!» امام(ع) در حق فرزندش دعا فرمود. کاروان، شب را در «ثعلبیه» بیتوته کرد. در دوردست‌ها، خیمه‌ای دیده می‌شد؛ خیمه‌ای که کاروانیان در طول مسیر، گاه و بیگاه آن را می‌دیدند. «زهیر بن قین بجلی» صاحب آن خیمه بود. «سید بن طاووس» نقل می‌کند که «زهیر»، به دلایلی، مایل به دیدار با امام(ع) نبود. اما مگر می‌شود جوانمردی در شعاع کرم و بزرگواری حسین(ع) قرار بگیرد و از آن بی‌نصیب بماند؟ سیدالشهدا(ع) یکی از اصحاب را فرستاد تا «زهیر» را به خیمه سالار شهیدان دعوت کند و او، آمد و ماند و نرفت. کاروان به حرکت خود ادامه داد. در منزل «زُبالة» بود که خبر شهادت مسلم بن عقیل، سفیر امام(ع) در کوفه، به آن حضرت رسید. مورخان آورده‌اند که وقتی این خبر به امام(ع) رسید، کسانی که در پی مال و مقام آن حضرت را همراهی می‌کردند، از اطرافش گریختند.

امام(ع) برای آگاهی از وضعیت کوفه، نامه‌ای نوشت و به «قیس بن مسهر صیداوی» داد تا آن را به شیعیان کوفه برساند؛ اما «قیس» به دام راهداران ابن‌زیاد افتاد و مظلومانه به شهادت رسید. دو منزل مانده به کوفه، امام حسین(ع) با سپاه تشنه ابن‌زیاد به فرماندهی «حر بن یزید ریاحی» روبه‌رو شد. عطش امان سربازان را بریده بود. امام(ع) فرمان داد تا سیرابشان کنند. «حُر» مأموریت داشت سیدالشهدا(ع) را همراهی کند تا وقتی خبر حاکم کوفه به او برسد و بالاخره، آن خبر رسید. ابن‌زیاد از «حُر» خواسته بود که بر امام حسین(ع) سخت بگیرد و او را به بیابانی بی‌آب و تفتیده ببرد و چنین شد که روز دوم محرم سال ۶۱ (هـ.ق)، کاروانِ سربلندی به کربلا رسید. «سید بن طاووس» می‌نویسد: «چون امام(ع) وارد این منطقه شد، پرسید: نام این سرزمین چیست؟ گفتند: کربلا؛ فرمود: پروردگارا! از حزن و اندوه و بلا، به تو پناه می‌برم. آن‌گاه ادامه داد: این جا محل رحل اقامت افکندن ماست ... بر این زمین خون ما ریخته می‌شود و اهل بیتم اسیر خواهند شد.»

مشاوره حقوقی

خوانندگان محترم! در صفحه ۱۰ روزنامه خراسان، پاسخ‌گوی پرسش های حقوقی شما هستیم. شما می توانید پرسش های خود را در تمام زمینه های حقوقی، از طریق پیامک به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ ارسال کنید. لطفا در ابتدای متن پیامک حتما کلمه «حقوقی» را قید فرمایید.

پرسش: آپارتمانی را از یک بنگاه خریداری کردم. او ابتدا مدعی بود که ملک ۷۵ متر است، اما بعد از قولنامه، معلوم شد ۶۵ متر است. حال او مدعی است که من تمام خیارات را از خود ساقط کرده‌ام و نمی توانم معامله را فسخ کنم. آیا این موضوع صحت دارد؟

پاسخ: ماده ۳۵۵ قانون مدنی بیان می کند که «اگر ملکی به شرط داشتن مساحت معین فروخته شده باشد و بعد معلوم شود که کمتر از آن مقدار است، مشتری حق فسخ معامله را خواهد داشت و اگر معلوم شود که بیشتر است، بایع می‌تواند آن را فسخ کند مگر این که در هر دو صورت، طرفین به محاسبه زیاده یا نقیصه تراضی نمایند.» همچنین ماده ۳۸۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد «هر گاه در حال معامله، مبیع از حیث مقدار، معین بوده و در وقت تسلیم، کمتر از آن مقدار درآید مشتری حق دارد که بیع را فسخ کند یا قیمت موجود را با تادیه حصه‌ای از ثمن به نسبت موجود قبول نماید و اگر مبیع، زیاده از مقدار معین باشد، زیاده مال بایع است.» بنابراین، در مواردی که ملکی به شرط متراژ معین فروخته و بعداً معلوم می‌شود که مساحت ملک کمتر از مقدار مقرر است، خریدار می‌تواند معامله را فسخ کند، مگر این که ضمن معامله این حق از وی سلب شده باشد. اگر در قرارداد، حق فسخ معامله از دوطرف سلب شده یا خریدار کالای موضوع معامله را به وضعیت موجود آن خریداری کرده باشد، نمی‌تواند بعداً معامله را فسخ کند. «اگر بایع از عیوب مبیع، تبری کرده باشد به این که عهده عیوب را از خود سلب کرده یا با تمام عیوب بفروشد، مشتری در صورت ظهور عیب، حق رجوع به بایع نخواهد داشت و اگر بایع از عیب خاصی تبرّی کرده باشد، فقط نسبت به همان عیب حق مراجعه ندارد.» (ماده ۴۳۶ قانون مدنی)

پرسش: سند خانه‌ام را برای ضمانت وام دوستم در اختیار او قرار دادم. متأسفانه وی در پرداخت اقساط کوتاهی کرد و بانک قصد فروش ملک را دارد. چگونه می توانم علیه او شکایت کنم و ملکم را نجات بدهم؟

پاسخ: بانک برای وصول اقساط معوقه می تواند به صلاحدید خود، علیه مدیون (وام‌گیرنده)، علیه ضامن یا برای فروش مالی که در رهن بانک قرار گرفته است، اقدام کند. شما می‌توانید با پرداخت مطالبات بانک، ملک خود را از رهن خارج کنید. به این ترتیب، عملیات اجرایی برای مزایده ملک متوقف خواهد شد. پس از پرداخت مطالبات بانک، می توانید برای دریافت وجوه پرداخت شده، به وام‌گیرنده مراجعه کنید. پس از این که بدهی بانک را پرداخت کردید، در صورتی که مبالغ پرداخت شده را از وام‌گیرنده مطالبه کنید و ایشان از پرداخت به شما خودداری کند، می‌توانید علیه وی به دادگاه حقوقی طرح دعوا کنید. ماده ۷۰۹ قانون مدنی در این باره بیان می کند: «ضامن حق رجوع به مضمون عنه ندارد، مگر بعد از ادای دین؛ ولی می‌تواند در صورتی که مضمون عنه ملتزم شده باشد که در مدت معینی او را تحصیل نماید و مدت مزبور هم منقضی شده باشد، رجوع کند.»

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۴۱۶ آگهی حصر وراثت

خواهان بانک صادرات دادخواستی به طرفیت خوانده ۱- حسین مخلصی ۲- منصوره عطاران دوم به خواسته مطالبه وجه چک تقدیم شورای حل اختلاف شهرستان مشهد نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۵۴ شورای حل اختلاف مجتمع شماره دو شهرستان مشهد واقع در مشهد- بلوار شهید فرنی- نبش فرنی ۳۱ ارجاع و به کلاسه ۹۶۰۴۱۶ ثبت گردیده که وقت رسیدگی ان ۹۶/۸/۱۰ و ساعت ۹ تعیین شده است. به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور شورا مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار اگهی می شود تا خوانده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به شورا مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد. م الف ۳۳۸۰۹ متصدی امور دفتری دادگاه شعبه ۵۴ شورای حل اختلاف شهرستان مشهد- زینب سادات یعقوبی
مشهد- بلوار شهید فرنی- نبش فرنی ۳۱ م/۹۶۱۳۶۲۲۹

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۲۵۱ آگهی ابلاغ دادنامه

بدین وسیله پیرو آگهی قبلی به خوانده ۱- علی کرامتی طاهرآباد ۲- گلزار محمدی فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد دادخواست بانک مهر اقتصاد علیه شما به خواسته مطالبه وجه به موجب حکم شماره ۹۶۰۹۹۷۷۴۵۸۳۰۰۵۶۰ به تاریخ ۹۶/۰۶/۱۲ در پرونده کلاسه ۹۶۰۲۵۱/۵۳ محکومیت تضامنی خواندگان به پرداخت: ۱- مبلغ ۸۹۴۰۰/۰۰۰ریال بابت اصل خواسته ۲- مبلغ ۱۱۵۰۰۰ریال بابت هزینه‌های دادرسی ۳- حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی وکلای دادگستری ۴- خسارت تاخیر تادیه از زمان سررسید چک مورخ ۹۶/۲/۴ تا اجرای حکم بر مبنای شاخص نرخ تورم بانک مرکزی با احتساب در دایره اجرای حکم در حق خواهان محکوم شده‌اید مراتب بدین وسیله در روزنامه درج می گردد. رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در این شورا است. م الف ۳۳۸۱۱ مسئول دفتر شعبه ۵۲ شورای حل اختلاف مشهد مجتمع شماره دو م/۹۶۱۳۶۱۷۱

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۳۰۴ آگهی ابلاغ وقت دادرسی و ضمائم

کلاسه پرونده ۹۶۰۳۰۴ ۱۰/۹۶۰۰۴۳ وقت رسیدگی: ۱۳۹۶/۰۹/۱۱ ساعت ۱۱ خواهان: آثنا السادات هاشمی باخزری فرزند سیدمرتضی خوانده: بابک تسعیری فرزند غلامحسین خواسته: مطالبه وجه و خسارات خواهان دادخواستی تسلیم دادگاه‌های عمومی مشابه نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه حقوقی ارجاع گردیده و وقت رسیدگی تعیین شده به علت مجهول المکان بودن خوانده و به درخواست خواهان و دستور دادگاه و به تجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار اگهی می شود تا خوانده از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دادخواست و ضمائم را دریافت نماید و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حضور به هم رساند چنانچه بعدا ابلاغی لازم شود فقط یک نوبت منتشر و مدت آن ده روز خواهد بود. م الف ۳۴۰۴۸ منشی شعبه ۱۰ دادگاه حقوقی مشهد م/۹۶۱۳۶۵۳۰

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۱۶۰ آگهی ابلاغ دادنامه

بدین وسیله پیرو آگهی قبلی به خوانده: عصمت عبدالله شهابی فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد دادخواست بانک قوامین علیه شما به خواسته مطالبه وجه به موجب حکم شماره ۹۶۰۹۹۷۷۴۵۸۳۰۰۳۵۳ به تاریخ ۹۶/۰۶/۱۲ در پرونده کلاسه ۹۶۰۱۶۰/۵۳ به پرداخت: ۱- مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال بابت اصل خواسته ۲- مبلغ ۵/۵۴۵/۰۰۰ریال بابت هزینه‌های دادرسی ۳- خسارت تاخیر تادیه از زمان سررسید چک مورخ ۹۵/۵/۳۱ تا اجرای حکم بر مبنای شاخص نرخ تورم بانک مرکزی با احتساب در دایره اجرای حکم در حق خواهان محکوم شده‌اید مراتب بدین وسیله در روزنامه درج می گردد. رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در این شورا است. م الف ۳۳۸۱۴ مسئول دفتر شعبه ۵۳ شورای حل اختلاف مشهد مجتمع شماره دو م/۹۶۱۳۶۰۷۲

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۱۷۶ آگهی ابلاغ دادنامه

بدین وسیله پیرو آگهی قبلی به خواندگان: ۱- منصوره کامیاب ۲- شرکت آذین تجارت شادگان فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد دادخواست بانک ملت علیه شما به خواسته مطالبه وجه به موجب حکم ۹۶۰۹۹۷۷۴۵۸۳۰۰۵۶۷ به تاریخ ۹۶/۰۶/۱۲ در پرونده کلاسه ۹۶۰۱۷۶/۵۳ به پرداخت: ۱- مبلغ ۱۲۵/۶۷۸/۳۳۷ریال بابت اصل خواسته ۲- مبلغ ۶/۲۶۵/۰۰۰ریال بابت هزینه‌های دادرسی و حق الدرج اگهی ۳- حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی وکلای دادگستری ۴- خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چک مورخ ۹۵/۱۲/۱۸ الی یوم الوصول بر مبنای ۱۸ درصد نرخ سود قابل محاسبه در اجرای احکام در حق خواهان محکوم شده‌اید مراتب بدین وسیله در روزنامه درج می گردد. رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در این شورا است. م الف ۳۳۸۱۲ مسئول دفتر شعبه ۵۳ شورای حل اختلاف مشهد مجتمع شماره دو م/۹۶۱۳۶۱۶۲

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۱۳۴ آگهی ابلاغ دادنامه

بدین وسیله پیرو آگهی قبلی به خوانده: مرتضی بخشی قوچان عتیق فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد دادخواست تعاونی امین طلاب علیه شما به خواسته مطالبه وجه به موجب حکم شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۸۳۰۰۵۷۰ به تاریخ ۹۶/۰۶/۱۲ در پرونده کلاسه ۹۶۰۱۳۴/۵۳ به پرداخت: ۱- مبلغ ۰/۰۰۰/۰۰۰ریال بابت اصل خواسته ۲- مبلغ ۲/۰۷۰/۰۰۰ریال بابت هزینه‌های دادرسی ۳- خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چک مورخ ۹۵/۱/۲۳ تا اجرای حکم بر مبنای شاخص نرخ تورم بانک مرکزی با احتساب در دایره اجرای حکم در حق خواهان محکوم شده‌اید مراتب بدین وسیله در روزنامه درج می گردد. رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه در مهلت قانونی قابل واخواهی در این شورا است. م الف ۳۳۸۱۳ مسئول دفتر شعبه ۵۳ شورای حل اختلاف مشهد مجتمع شماره دو م/۹۶۱۳۶۰۹۵

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۱۱۰ آگهی ابلاغ دادنامه

بدین وسیله پیرو آگهی قبلی به آقای محمد خجسته بافرزاده فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد دادخواست سکینه تاجیک فرزند ابوالقاسم و ابوالفضل اسمعیلی چرخاب فرزند محمد علیه شما در کلاسه پرونده ۹۶۰۹۹۷۷۵۸۰۳۰۰۵۶۷ به موجب حکم شماره ۱۵/۹۶۰/۱۱۰ به خواسته الزام به ایفای تعهد مالی دادگاه دعوای خواهان را وارد تشخیص نداده و به استناد مواد ۲-۸۴ و ۸۹ قانون آئین دادرسی مدنی قرار رد دعوی صادر و اعلام می‌نماید. رای صادره غیابی و تا ۲۰ روز پس از تاریخ درج در روزنامه قابل واخواهی در همین دادگاه می‌باشد. م الف ۳۴۰۴۷ منشی شعبه ۱۵ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی امام خمینی شهرستان مشهد (۵۳حقوقی سابق)- احمد خرم نیا
استان خراسان رضوی- شهرستان مشهد- ابتدای بلوار شهید مدرس م/۹۶۱۳۶۵۵۹

شماره بایگانی شعبه: ۹۴۰۹۸۸ آگهی ابلاغ اجرائیه

محکوم له: بانک مهر اقتصاد محکوم علیه: حسین سراجان فرزند علی
پیرو آگهی های منتشره در جراید بدین وسیله به خوانده (محکوم علیه) فوق الذکر که مجهول المکان می باشد ابلاغ می شود طبق اجرائیه صادره از شعبه ۱۱ حقوقی در پرونده کلاسه ۱۱/۹۴۰۹۸۸ به موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۷۵۷۶۱۰۰۲۹۳ مورخ ۱۳۹۵/۳/۱۰ محکوم به پرداخت تضامنی مبلغ پانصد و چهل میلیون ریال وجه یک فقره چک به شماره ۱۳۳۶/۳۳۵۱۸۴/۵۴ موخره ۱۳۹۶/۴/۱۳ عهده بانک ملت شعبه مشهد بابت اصل خواسته و مبلغ شانزده میلیون و چهارصد و بیست و پنج هزار ریال بابت هزینه تمبر و مبلغ چهارده میلیون و یکصد و شصت هزار ریال بابت حق الوکاله وکیل و نیز به پرداخت خسارت تاخیر تادیه وجه چک از تاریخ سررسید چک تا زمان پرداخت براساس شاخص نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در حق خواهان و نیم عشر دولتی در حق دولت می باشد. پرداخت نیم عشر حق اجرا و نیز هزینه‌های اجرائی برعهده محکوم علیه می باشد. بدیهی است با توجه به غیابی بودن حکم، اجرای حکم غیابی منوط به معرفی مبنع یا اخذ تامین متناسب از محکوم له، یا ابلاغ واقعی اجرائیه به محکوم علیه می باشد لذا مفاد اجرائیه صادره یک نوبت در اجرای ماده ۷۳ آ.د.م و ماده ۹ قانون اجرای احکام مدنی در یکی از جراید کثیرالانتشار درج می گردد تا ظرف دو روز پس از انتشار آگهی نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام گردد. در غیر این صورت اجرای احکام مقرر است به اجرای مدلول اجرائیه و وصول هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. م الف ۳۴۰۴۵ مدیر دفتر دادگاه حقوقی شعبه ۱۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی امام خمینی شهرستان مشهد- غلامرضا روحی استان خراسان رضوی- شهرستان مشهد- ابتدای بلوار شهید مدرس م/۹۶۱۳۶۶۲۲

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۲۱۹ آگهی ابلاغ اجرائیه

بدین وسیله پیرو آگهی قبلی به خواندگان: ۱- رضا نظری امیرآبادی ۲- محمد حاجی زاده ۳- امین صالحی زاده ۴- محمد حاجی زاده فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد دادخواست بانک مهر اقتصاد علیه شما به خواسته مطالبه وجه چک به موجب حکم شماره ۹۵۰۹۹۷۷۴۵۸۳۰۰۹۵۱ در پرونده کلاسه ۹۵۰۶۵۰/۵۴ صادره از این شورا مبنی بر محکومیت شما به:
۱- مبلغ ۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰ریال بابت اصل خواسته ۲- مبلغ ۴۸۵۰۰۰۰ریال بابت هزینه‌های دادرسی و درج در روزنامه ۳- حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی وکلای دادگستری ۴- خسارت تاخیر تادیه از زمان سررسید چک مورخ ۹۵/۶/۲۲ تا اجرای حکم بر مبنای شاخص نرخ تورم بانک مرکزی با احتساب در دایره اجرای حکم در حق خواهان ۵- پرداخت نیم عشر دولتی در حق صندوق دولت بر عهده محکومین می باشد. منجر به صدور اخطار اجرایی گردیده است لذا مراتب وفق مواد ۹-۱۱۸ و ۱۱۹ قانون اجرای احکام مدنی یک نوبت در جراید درج می گردد و این اخطار اجرای به منزله ابلاغ واقعی تلقی خواهد شد و در صورت عدم اعلام نشانی کامل خود یا به آدرس اعلام شده مطابق با نظریه کارشناسی به مبلغ ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ریال به فروش می‌رسد. م الف ۳۲۲۹۳ مدیر واحد مجتمع قضایی اجرای احکام مدنی- سیدمحمدرضا تشنگر م/۹۶۱۲۸۰۱۹

شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۳۴۹ آگهی ابلاغ وقت دادرسی و ضمائم

کلاسه پرونده ۹۶۰۳۴۹ ۱۰/۹۶۰۰۲۹ وقت رسیدگی: ۱۳۹۶/۰۸/۱۰ ساعت ۹:۳۰
خواهان: محمدصادق مرادی حاجی تقی- خوانده: الهه آزاد خواسته: اعسار از پرداخت محکوم به و تقسیط در پرونده کلاسه ۱۰/۹۱۰۱۴۲ خواهان دادخواستی تسلیم دادگاه‌های عمومی مشابه نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه حقوقی ارجاع گردیده و وقت رسیدگی تعیین شده به علت مجهول المکان بودن خوانده و به درخواست خواهان و دستور دادگاه و به تجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار اگهی می شود تا خوانده از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دادخواست و ضمائم را دریافت نماید و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حضور به هم رساند چنانچه بعدا ابلاغی لازم شود فقط یک نوبت منتشر و مدت آن ده روز خواهد بود. م الف ۳۴۰۴۹ منشی شعبه ۱۰ دادگاه حقوقی مشهد م/۹۶۱۳۶۵۱۸

آگهی فقدان سندمالکیت

نظر به اینکه آقای عباسعلی احمدآبادی به استناد دوبرگ ف